

Research Paper

Analysis of the grounds for the formation of the Persian Gulf Cooperation Council against Iran based on Stephen Walt's theory of threat balance

Mohammad Javad Herati,¹ Hassan Jalalpoor^{*2}¹ Department of Education, Faculty of Literature and Humanities, Bu Ali Sina University, Hamadan² Department of Education, Bu Ali Sina University, Hamadan

10.22080/JPIR.2022.21952.1238

Received:

July 13, 2021

Accepted:

April 24, 2022

Available online:

May 31, 2022

Keywords:

Iran, Persian Gulf Cooperation Council, Threat Balance

Abstract

Many factors are effective in forming alliances between countries. In fact, the goal of many countries in uniting with other countries is to gain more benefits and confront threats, because in the field of international relations each country acts and enters into alliances with other countries based on its own interests. Therefore, it must be said that in the formation of an alliance there must be two main factors: common threat and common interests. The victory of the Islamic Revolution in Iran in 1979 changed the situation in the Persian Gulf and the Middle East. Meanwhile, the Arab countries on the southern shores of the Persian Gulf formed a council called the Gulf Cooperation Council in order to confront the Islamic Republic. Therefore, this study seeks to answer the question what are the grounds for the formation of the Persian Gulf Cooperation Council against the Islamic Republic of Iran. The hypothesis presented in this study is based on the fact that the purpose of establishing the Persian Gulf Cooperation Council is to confront the self-made threat of the Islamic Republic of Iran. The research method used in this research is descriptive-analytical method. The findings of this study shows that according to Walt's threat balance theory, factors such as geographical neighborhood, offensive intentions, offensive power and increased offensive capability have led to the formation of the Persian Gulf Cooperation Council against the Islamic Republic of Iran.

***Corresponding Author:** hassan.jalalpoor**Address:** Department of Education, Bu Ali Sina University, Hamadan**Email:** hassanjalalpoor@yahoo.com

علمی پژوهشی

واکاوی زمینه‌های شکل‌گیری شورای همکاری خلیج فارس در برابر ایران براساس نظریه‌ی موازنه‌ی تهدید استفان والت

محمد جواد هراتی^۱، حسن جلال پور^{۲*}

^۱ دانشیار گروه معارف دانشگاه بوعلی سینا همدان. mjharaty@yahoo.com

^۲ دانشجوی دکتری تاریخ انقلاب اسلامی دانشگاه بوعلی سینا همدان. hassanjalalpoor@yahoo.com



10.22080/JPIR.2022.21952.1238

چکیده

عوامل بسیاری در شکل‌گیری اتحاد میان کشورهای مؤثر است. در واقع، هدف بسیاری از کشورها از اتحاد با دیگر کشورها، کسب منافع بیشتر و مقابله با تهدیدهاست؛ چراکه هر کشوری در عرصه‌ی روابط بین‌الملل براساس منافع خود عمل کرده و وارد اتحاد با کشورهای دیگر می‌شود. بنابراین، باید گفت در شکل‌گیری یک اتحاد باید دو عامل اصلی (تهدید مشترک و منافع مشترک) وجود داشته باشد. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران در سال (۱۳۵۷/ش/۱۹۷۹م)، اوضاع منطقه‌ی خلیج فارس و خاورمیانه را دچار تغییرات اساسی کرد. در این میان، کشورهای عرب حاشیه‌ی جنوبی خلیج فارس دست به تشکیل شورایی تحت عنوان شورای همکاری خلیج فارس زدند تا بتوانند به صورت متحد با جمهوری اسلامی مقابله کنند. لذا این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش است که زمینه‌های شکل‌گیری شورای همکاری خلیج فارس در برابر جمهوری اسلامی ایران چیست؟ فرضیه‌ی مطرح‌شده در این پژوهش بر این اساس است که هدف از ایجاد شورای همکاری خلیج فارس مقابله با تهدید خودساخته‌ی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش، روش توصیفی-تحلیلی است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد براساس نظریه‌ی موازنه‌ی تهدید والت، عواملی همچون مجاورت و نزدیکی جغرافیایی، نیت تهاجمی، قدرت تهاجمی و افزایش توانایی تهاجمی باعث تشکیل شورای همکاری خلیج فارس در مقابل جمهوری اسلامی ایران شده است.

تاریخ دریافت:

۲۲ تیر ۱۴۰۰

تاریخ پذیرش:

۴ اردیبهشت ۱۴۰۱

تاریخ انتشار:

۱۰ خرداد ۱۴۰۰

کلیدواژه‌ها:

ایران، شورای همکاری، منطقه‌ی خلیج فارس، نظریه‌ی موازنه‌ی تهدید، استفان والت.

* نویسنده مسئول: حسن جلال پور

آدرس: دانشجوی دکتری تاریخ انقلاب اسلامی دانشگاه بوعلی سینا همدان

ایمیل: hassanjalalpoor@yahoo.com

۱ مقدمه

می‌گردد، لیکن به علّت مخالفت حکومت عراق و بدبینی بعضی رژیم‌های عربی شبه‌جزیره‌ی عربستان، نسب‌به‌نقش‌شاه ایران (محمدرضا شاه)، این شورا تشکیل نگردید. اما سرانجام در نوامبر (۱۹۸۰م)، یعنی دو ماه بعد از آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، تلاش‌های اولیه مربوط به تشکیل شورای همکاری آغاز شد. در پی آن در ژانویه (۱۹۸۱م) کشور کویت طرحی را به کنفرانس کشورهای عربی در طائف عربستان ارائه داد که متضمن دور ننگ داشتن منطقه‌ی خلیج فارس از منازعه‌های بین‌المللی بود. در دیدارهای فوریه (۱۹۸۱م) وزیران خارجه‌ی عربستان سعودی، عمان، کویت، قطر، بحرین و امارات عربی متحده در ریاض پایتخت عربستان، موافقت شد شورای همکاری میان این شش کشور عربی خلیج فارس به نام «شورای همکاری خلیج فارس» به وجود آید. هدف از تشکیل این شورا در آن هنگام، ایجاد چهارچوبی برای هماهنگی و همکاری همه‌ی سیاست‌های دولتی میان کشورهای عضو همراه با توجه به مسأله‌ی حفظ امنیت در منطقه اعلام شد. اما یکی از مهم‌ترین دلایل تأسیس شورای همکاری خلیج فارس، وقوع انقلاب اسلامی در ایران بوده است. د واقع، می‌توان گفت تشکیل این شورا واکنشی به انقلاب اسلامی در ایران بود. از همان آغاز تشکیل این شورا، دیدی بدبینانه و همراه با سوءظن نسبت به جمهوری اسلامی ایران وجود داشت. کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس از همان آغاز تجاوز عراق و در راستای راهبرد ایالات متحده در قبال جمهوری اسلامی ایران مبنی بر کنترل انقلاب اسلامی و جلوگیری از رشد آن، کمک‌های بسیاری در اختیار عراق قرار دادند.

بنابراین، این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش است که زمینه‌های شکل‌گیری شورای همکاری خلیج فارس در برابر جمهوری اسلامی ایران چیست؟ فرضیه‌ی مطرح شده در این پژوهش بر این اساس است که هدف از ایجاد شورای همکاری خلیج فارس مقابله با تهدید خودساخته‌ی جمهوری

از جمله تحولات بزرگ منطقه‌ی غرب آسیا و خاورمیانه در نیم قرن اخیر، وقوع انقلاب اسلامی در سال (۱۳۵۷ش/۱۹۷۹م) بود که علاوه بر حیطه‌ی داخلی، باعث ایجاد دگرگونی‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... در عرصه‌ی معادلات بین‌المللی و منطقه‌ی خاورمیانه شد. به طوری که با نگاهی مختصر می‌توان گفت از دیدگاه اندیشه‌ی سیاسی، انقلاب اسلامی ایران در حیطه‌ی معادلات منطقه‌ای، باعث شکل‌گیری اسلام سیاسی و انقلابی، آن هم از نوع شیعی برخلاف اسلام منفعل و سکولار غربی-عربی منطقه‌ای گردید. از دیدگاه جامعه‌شناختی، انقلاب اسلامی در فضای سیاست منطقه‌ای، قرائت جدیدی از معنی و مفهوم انقلاب را برخلاف نظرات مارکسیستی در شکل انقلابی معنوی ایجاد کرد که به نوعی منتهی به شکل‌گیری نسل چهارم نظریات انقلاب با در نظر داشتن دسته‌بندی جک گلدستون از انواع انقلاب گردید، و در نهایت از دیدگاه منطقه‌ای و بین‌المللی با اعلام مرگ دکتور نیکسون (رئیس جمهور آمریکا)، جایگاه ژاندارم منطقه‌ای را که بیانگر نظم آمریکایی حاکم بر منطقه بود، به هم ریخت. بی‌جهت نیست که گفته می‌شود انقلاب اسلامی ایران، معادله‌ای نامشخص و مجهول برای همه‌ی بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی بود که آن‌ها را در نوع رویارویی با این مسأله‌ی پیچیده سردرگم کرد. خصوصاً اینکه ایشان بیم آن داشتند که این معادله متناسب با تئوری پخش‌هاگر استرند به سایر کشورهای منطقه نفوذ کند. بدین ترتیب، این نگرانی خود منجر به تلاش برای نوسازی نظم جدید منطقه‌ای از جانب کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای شد. یکی از مهم‌ترین این تلاش‌ها از جانب کشورهای عربی حاشیه‌ی خلیج فارس، تأسیس شورای همکاری خلیج فارس در سال (۱۹۸۱م) بود.

گرچه پیشینه‌ی تلاش کشورهای منطقه‌ی خلیج فارس برای ایجاد اتحادیه‌ای منطقه‌ای جهت محافظت از امنیت منطقه به دهه‌های (۶۰-۷۰م) باز

مباحث واقع‌گرایی را در حیطه‌ی امنیتی غنی‌تر نماید. نقطه‌ی اساسی مباحث وی در بررسی علت اتحادها و ائتلاف‌های نظامی با هدف ایجاد موازنه و یا در واکنش به احساس تهدید است. به اعتقاد وی برخلاف آنچه که تصور می‌شود، کشورها در مقابل افزایش قدرت دیگر کشورها دست به موازنه نمی‌زنند، در مقابل، آنچه باعث حرکت کشورها به سوی توازن می‌گردد، میزان تهدیدی است که درک می‌کنند. زمانی که تهدید احساس می‌شود، کشورها یا تلاش می‌کنند در مقابل آن توازن ایجاد کنند یا اینکه به کشوری قدرتمند می‌پیوندند (Walt, 1987:110). در این راستا، والت برخلاف تفکر پذیرفته‌شده، بر این اعتقاد است که کشورها نه براساس اصل توازن قوا، بلکه براساس توازن تهدید عمل می‌کنند؛ یعنی تعادل در برابر قدرت‌ها با اتحاد علیه این کشورهاست. وی معتقد است که کشورها نه در مقابل قدرت، بلکه در مقابل تهدید دست به توازن زده‌اند؛ به این معنا که کشورها به دنبال توازن دادن به هر قدرتی نیستند؛ بلکه آن‌ها به دنبال ایجاد توازن در مقابل کشوری هستند که افزایش قدرت آن تهدید محسوب می‌شود (Elman, 2003:20 & Gangle, 2003:2). مهم‌ترین عامل مؤثر بر سیاست خارجی کشورها، نه شکل توزیع توانایی‌ها در صحنه‌ی بین‌المللی، بلکه میزان تهدید است و اینجاست که والت تئوری خود را تحت عنوان موازنه‌ی تهدید در مقابل موازنه‌ی قوا مطرح می‌کند.

والت در مطالعات خود به این نتیجه رسیده است که تهدیدها براساس چهار شاخص مورد ارزیابی قرار می‌گیرند:

۲،۱ مجاورت

این واقعیت در روابط بین‌الملل پذیرفته شده که توانایی تهدیدزایی و قدرت‌نمایی به تناسب فاصله کاهش یا افزایش می‌یابد. دولت‌هایی که در نزدیکی و مجاورت یکدیگر قرار دارند، قادر به ایجاد تهدید بیشتری برای یکدیگر هستند، نسبت به دولت‌هایی که در فاصله‌ی جغرافیایی زیادی نسبت به یکدیگر

اسلامی ایران می‌باشد. روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش، روش توصیفی-تحلیلی است. هدف پژوهش این است که آیا شکل‌گیری شورای همکاری خلیج فارس براساس نظریه‌ی موازنه‌ی تهدید والت قابل بررسی می‌باشد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد براساس نظریه‌ی موازنه‌ی تهدید والت، عواملی همچون مجاورت و نزدیکی جغرافیایی، نیت تهاجمی، قدرت تهاجمی و افزایش توانایی تهاجمی، باعث تشکیل شورای همکاری خلیج فارس در مقابل جمهوری اسلامی ایران شده است.

بنابراین، جنبه‌ی نوآوری این مقاله در این نکته می‌باشد که این موضوع در هیچ‌کدام از منابع مورد بررسی، روابط دو سوی ایران و کشورهای عربی حوزه‌ی خلیج فارس براساس نظریه‌ی موازنه‌ی تهدید مورد بررسی قرار نگرفته است. بنابراین، این مقاله بر آن است که روابط ایران و شورای همکاری خلیج فارس را براساس معیارهای مطرح‌شده در نظریه‌ی موازنه‌ی تهدید والت (مجاورت، قدرت تهاجمی، نیت تهاجمی و توانایی تهاجمی) مورد ارزیابی قرار دهد.

۲ چارچوب نظری: موازنه‌ی تهدید استنفان والت

استنفان والت یکی از مطرح‌ترین متفکران وابسته به نظریه‌ی واقع‌گرایی تدافعی محسوب می‌شود. او موازنه‌ی تهدید را به‌عنوان فرمول‌بندی مجدد از تئوری موازنه‌ی قدرت مطرح کرد. والت معتقد است که امنیت بیش از آنکه در برابر قدرت مطرح شود، در برابر تهدید مطرح می‌شود و از تفاوت آشکار بین قدرت و تهدید برای پیشبرد رهیافتش استفاده می‌کند. وی معتقد است که دولت‌ها در رفتار خود به چیزی فراتر از قدرت توجه دارند؛ چراکه موازنه‌ی قوا به‌عنوان یک رویکرد نظری نمی‌تواند بیان کند که چرا اغلب، ایجاد موازنه‌ها به شکست انجامیده است (Walt, 1985:9).

والت با نقد اصل موازنه‌ی قوا و با مطرح کردن نظریه‌ی موازنه‌ی تهدید در عمل توانسته است

۲٫۴ افزایش قدرت یا (توانایی) تهاجمی

افزایش قدرت تهاجمی دولت‌ها، شامل منابع کلی تجمیع قدرت یک دولت است. ازجمله این منابع عبارت‌اند از: قابلیت‌های نظامی، جمعیت، وسعت، توسعه‌یافتگی صنعتی و تکنولوژی. بنابراین، افزایش قدرت یک دولت، دیگر دولت‌ها را به ایجاد موازنه در برابر خویش ترغیب خواهد کرد؛ چراکه دیگر دولت‌ها نمی‌توانند مطمئن باشند که دولت قوی‌تر از توانایی برتری خود علیه آن‌ها استفاده نخواهد کرد؛ بنابراین آن‌ها دست به اتحاد تدافعی می‌زنند.

درمورد توانایی‌ها باید گفت که هرچه توانایی‌های کشور تهدیدکننده بیشتر باشد، میزان تهدید دریافت‌شده بیشتر است. متغیرهای مرتبط با توانایی کشورها نیز شامل جمعیت، وسعت، اقتصاد و سایر عوامل ژئوپلتیک هستند که همیشه از عوامل مهم در سنجش قدرت کشورها محسوب می‌شوند. در زمینه‌ی توانایی‌های تهاجمی، باید این نکته را ذکر کرد که بین نیت تهاجمی و میزان تهدید، ارتباط مستقیمی وجود دارد؛ به این معنا که هرچه توانایی نظامی یک کشور بیشتر باشد، میزان نگرانی و تهدید به همان میزان فزونی می‌یابد.

در این میان، والت از همبستگی و وحدت ایدئولوژیک و کمک‌های نظامی- اقتصادی در شکل‌گیری اتحادها به‌عنوان عوامل مؤثر نام می‌برد.

۲٫۵ همبستگی ایدئولوژیک

از دیدگاه والت، منطق همبستگی و وحدت ایدئولوژیک بر چند نکته‌ی مهم استوار است که عبارت‌اند از: نخست، اتحاد با دولت‌هایی با ایدئولوژی مشابه و همسان، راهی برای دفاع از اصول سیاسی یک دولت می‌باشد. اعتقاد به ارزش‌های مشترک، انگیزه برای دفاع از دولت‌هایی است که به همان ارزش‌ها باور دارند. دوم، دولت‌ها با ویژگی‌های مشابه کمتر یکدیگر را می‌ترسانند؛ زیرا تصور این که کشور مذکور تصمیم به حمله به آن‌ها را بگیرد، دشوار است. سوم، اتحاد با دولتی با ایدئولوژی مشابه و همانند، ممکن است موجب

قرار دارند. درواقع، والت پتانسیل تهدیدزایی را با فاصله‌ی جغرافیایی در رابطه‌ی معکوس می‌داند و اعتقاد دارد که دولت‌های مجاور قادر به تهدید بزرگ‌تری هستند (لیتل، ۱۳۸۹: ۳۴).

۲٫۲ نیت تهاجمی

متغیر نیت تهاجمی والت او را از مادی‌گرایی دور می‌سازد و دیدگاه معناگرا و سازهانگار را به ذهن وارد می‌کند. این ناشی از مفهوم تهدید است که شاید حتی بیشتر از مفهوم قدرت معناگرایانه باشد.

درواقع باید گفت عامل دیگری که می‌تواند در ایجاد ترس و وحشت از یک کشور مؤثر باشد، احساس نگرانی از نیت تهاجمی آن کشور است. به بیان دیگر، وقتی کشوری معتقد به نیت تهاجمی از سوی طرف مقابل باشد، احساس تهدید آن بیشتر شده و تلاش بیشتری برای محصور و محدود کردن آن انجام خواهد داد. بنابراین، تنها راه بازداشتن کشور مهاجم از سیاست‌های تهاجمی خود تشکیل اتحاد و ائتلافی برای محدود و محصور کردن آن است. این متغیر نشان‌دهنده‌ی آن است که هرچه از نظر دیگران نیت تهاجمی قدرتی آشکارتر باشد، احتمال بیشتری وجود دارد که آن‌ها به موازنه روی بیاورند (لیتل، ۱۳۸۹: ۳۶-۳۵).

۲٫۳ قدرت تهاجمی

دستیابی دولت‌ها به قدرت نظامی بالا و قابلیت‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی و ... آن‌ها را تهدیدزا کرده و خطرهای واقعی یا خیالی را متوجه ثبات و همبستگی سیاسی و سرزمینی می‌کند (Walt, 1990: 148). بنابراین، اگر دولتی با منابع مادی وسیع به چنین توانمندی تهاجمی دست پیدا کند، دیگر دولت‌ها به موازنه روی می‌آورند. البته باید به این نکته توجه کرد که هرگاه دولتی علی‌رغم توانایی دفاعی از سرزمین خود، فاقد قدرت تهاجمی برای حمله به دیگر کشورها باشد، دلیل موازنه علیه آن کشور کاهش می‌یابد؛ زیرا که تهدیدی از جانب آن دولت احساس نمی‌شود (لیتل، ۱۳۸۹: ۳۵).

متحد خود، از ابزار سیاسی و اقتصادی نیز بهره می‌گیرند. قوانین اقتصادی یا کمک‌های اقتصادی چه به صورت تظاهر به نیت خیر یا برانگیختن احساس قدرانی یا با این قصد که گیرنده‌ی کمک وابسته به کمک‌دهنده می‌شود، موجب شکل‌گیری اتحادهای مؤثر خواهد شد. تعریف ساده‌تر این فرضیه آن است که هرچه کمک بیشتر باشد، اتحاد مستحکم‌تری شکل خواهد گرفت (Walt, 1985: 27).

استحکام و تقویت مشروعیت یک دولت ضعیف شود. چهارم، ایدئولوژی به‌خودی‌خود ممکن است اتحاد را جایز بداند. برای مثال، اندیشه‌ی مارکسیسم - لنینیسم نمونه‌ی آشکار چنین امکانی است (Walt, 1987: 3).

۲,۶ کمک‌های گسترده‌ی اقتصادی- نظامی

والث معتقد است که علاوه بر عنصر ایدئولوژی، دولت‌ها به‌منظور جذب دیگر کشورها به‌عنوان



شکل ۱ تهدیدهای مورد ارزیابی

۳ تعمیم نظریه‌ی موازنه‌ی تهدید (والت) در شکل‌گیری شورای همکاری خلیج فارس

۳/۱ مجاورت یا فاصله‌ی جغرافیایی

رخداد انقلاب اسلامی در ایران تحولات مهم منطقه‌ای را به دنبال داشت. با توجه به اینکه ایران در دوران قبل از انقلاب اسلامی (۱۳۵۷ش/۱۹۷۹م) همراه با کشورهای عربی حاشیه‌ی خلیج فارس در شمار متحدان ایالات متحده آمریکا قرار داشتند، وقوع انقلاب اسلامی در ایران موجب شد یک قدرت عمده‌ی منطقه‌ای از تسلط و سلطه‌ی آمریکا خارج شود و تعامل بازیگران منطقه‌ای در دهه‌ی (۸۰ میلادی) پیچیده‌تر شود. از آنجاکه انقلاب اسلامی در منطقه‌ای اتفاق افتاد که کشورهای منطقه دارای تشابه فکری، فرهنگی، دینی، اجتماعی و اقتصادی بودند؛ لذا کشورهای عربی حوزه‌ی خلیج فارس که در مجاورت ایران قرار داشته و فاصله‌ی جغرافیایی کمی با ایران داشتند، از نفوذ امواج انقلاب به کشورهای خود نگران بودند.

انقلاب ایران باعث شد، کشورهای عربی مجاور ایران تهدیداتی را از ناحیه‌ی ایران احساس کنند که این تهدیدات عبارت‌اند از:

نخست، دیدگاه تجدیدنظرطلبانه به نظام‌های سیاسی حاکم بر منطقه‌ی خلیج فارس و ایجاد خطر برای سایر نظام‌های پادشاهی، چراکه حکومت‌های پادشاهی منطقه خواهان حفظ وضع موجود بودند و جمهوری اسلامی ایران خواهان تغییر وضع موجود در منطقه بود؛ دوم، ایران با حضور نیروهای فرامنطقه‌ای در منطقه‌ی خلیج فارس مخالف بود، حال آن که کشورهای عربی منطقه‌ی خلیج فارس موافق حضور کشورهای فرامنطقه‌ای در خلیج فارس بودند؛ سوم، اشتراکات دینی مردم منطقه با ایران؛ چهارم، استفاده از دین اسلام به‌عنوان قدرتی مهم و جایگزین کردن با مسائل قبیله‌ای و ناسیونالیستی (ملیت‌گرایی) که این امر باعث انتقال مفاهیم و

فرمول‌های انقلاب اسلامی به کشورهای منطقه‌ی خلیج فارس می‌شد (طبری، ۱۳۸۱: ۹۵-۹۶؛ واعظی و اسدی، ۱۳۸۹: ۴۲؛ ملک‌زاده، ۱۳۹۸: ۲۹۲). هرچه فاصله‌ی کشورهای عربی به ایران کمتر بود، نگرانی آن‌ها از تحولات شکل‌گرفته در ایران بیشتر بود؛ لذا تأسیس شورای همکاری خلیج فارس و حمله‌ی رژیم عراق به ایران در همین راستا صورت گرفت (ملک‌زاده، ۱۳۹۸: ۲۹۲ و ۲۸۷).

۳/۲ نیت تهاجمی

از زمان وقوع انقلاب اسلامی در ایران دولت‌ها و رسانه‌های کشورهای عربی منطقه به‌صورت منظم ایران را به‌عنوان عامل بی‌ثباتی منطقه معرفی می‌کنند. ایران‌هراسی طی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران به اوج خود رسید. حکومت عراق حمله به جمهوری اسلامی ایران را با موضوع ایران‌هراسی و نیت تهاجمی ایران گره زده بود (زاده‌علی و میرحسینی، ۱۳۹۶: ۱۵۷). از سوی ایالات متحده نیز همراه با کشورهای عربی منطقه‌ی خلیج فارس، ایران را تهدیدی جدید برای منافع خود قلمداد می‌کردند و با ایران‌هراسی به تنش در منطقه دامن می‌زدند (بهبودی‌نژاد، ۱۳۹۹: ۱۲).

به باور بسیاری از نخبگان سیاسی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، ایران در سال‌های پس از پیروزی انقلاب، درصدد صدور افکار انقلابی در منطقه بوده، از نهضت‌های سیاسی اسلام‌گرا حمایت و آنان را علیه حکومت‌های مطلقه‌ی منطقه تحریک کرده و اکنون برای گسترش نفوذ خود در منطقه می‌کوشد. بنابر اعتقاد کشورهای عربی منطقه دو عامل؛ نخست، تاریخ (امپراطور عظیم و باشکوه گذشته) و دوم، ناسیونالیسم (پارسی‌گرایی)، که با پیروزی انقلاب اسلامی بعد مذهبی (شیعه) هم به‌عنوان عامل سوم به آن اضافه شد (المشروع الایرانی، ۲۰۱۳: ۹۱). در واقع، صدور انقلاب به‌صورت تبیین و ترویج افکار و اندیشه‌های انقلاب اسلامی از طریق آگاهی‌بخشی و رهایی‌بخشی کشورهای مسلمان جهان تعریف شده است، این در حالی است که سیاست خارجی ایران از دید کشورهای

کند. همچنین، با دستیابی به موشک‌های شهاب ۴۰۳ که تا شهاب ۵ نیز ارتقا خواهد یافت، حوزه‌ی دفاعی ایران تا شعاع ۶۰۰۰ کیلومتر گسترش می‌یابد (Entessar, 2004: 545-547). موشک دیگری که در صنایع دفاعی ایران مورد استفاده قرار می‌گیرد، موشک سجیل با قابلیت حمل کلاهک‌های جنگی به وزن یک تن و برد ۱۳۰۰ کیلومتر می‌باشد (The Military Balance, 2010: 239). اما آنچه جمهوری اسلامی را بر تقویت نیروی نظامی در جهت دفاع از خود مصمم کرده است، می‌تواند عوامل گوناگونی باشد که طیف وسیعی از خریدهای تسلیحاتی کلان از سوی کشورهای عربی منطقه، تهدید مکرر از سوی رژیم صهیونیستی اسرائیل و حامیان آن، افزایش نیروهای آمریکا در منطقه را در بر می‌گیرد (صالحی و محسنی، ۱۳۹۲: ۵۸). در این میان، کشورهای عربی حوزه‌ی خلیج فارس این افزایش توان نظامی ایران را در راستای اهداف بلندپروازانه و جاه‌طلبانه از سوی ایران تلقی می‌کنند. آن‌ها عقیده دارند جمهوری اسلامی ایران در تلاش برای نوعی هژمونی و برتری نظامی در منطقه است که باید به هر صورت از واقعیت‌یابی این هدف جلوگیری کرد. به‌عنوان نمونه کشورهای عربی حوزه‌ی خلیج فارس برنامه‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران را افزایش قدرت تهاجمی قلمداد کرده و همواره نسبت به آن حساسیت نشان می‌دهند و خواهان توقف برنامه‌های هسته‌ای ایران هستند، به‌گونه‌ای که در این زمینه با کشورهای فرامنطقه‌ای در جهت به حاشیه راندن ایران همراه و متحد شده‌اند.

این در حالی است که علی‌رغم حساسیت کشورهای اعضای شورای همکاری خلیج فارس نسبت به افزایش توان دفاعی ایران، جمهوری اسلامی ایران در سال ۲۰۰۶ حدود ۳/۶۸٪ از تولید ناخالص داخلی خود را صرف هزینه‌های نظامی کرده که از این حیث در رتبه‌ی ۶۱ در جهان قرار دارد (cia.gov/library/publications) و از این نظر جایگاه پایین‌تری از کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس دارد.

عربی منطقه در جهت صدور انقلاب (توسعه و نفوذ ایران در کل منطقه) بر چندین پایه استوار است:

۱. حمایت و پشتیبانی از برخی گروه‌های فلسطینی برای کسب عواطف عربی و اسلامی و سرپوش نهادن بر اهداف واقعی خود؛

۲. بهره‌جویی از اقلیت‌های شیعه در کشورهای عربی و تحریک آن‌ها؛

۳. ارائه‌ی کمک‌های مادی و نظامی به برخی کشورهای منطقه به منظور نفوذ در این کشورها (المشروع الایرانی، ۲۰۱۳: ۱۶-۱۸).

لذا کشورهای عربی منطقه‌ی خلیج فارس این اقدامات ایران را تلاشی در جهت نفوذ در منطقه تفسیر کرده و در راستای نیت تهاجمی ایران قلمداد می‌کردند.

۳،۳ قدرت تهاجمی

جمهوری اسلامی ایران از جمله واحدهای سیاسی است که از موقعیت سه‌گانه‌ی زمینی، دریایی و گذرگاهی برخوردار است (قنبری جهرمی، ۱۳۸۶: ۲۱-۲۱) و همواره به‌عنوان یکی از کشورهای در حال توسعه که در موقعیت جغرافیایی و استراتژیک خاصی قرار دارد و با توجه به حقیقت و هویت نظام حاکم بر آن و تجربیات گذشته‌ی خود، به‌ویژه جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، کشوری است که برای قدرت نظامی خود اهمیت خاصی قائل است؛ ولی در این میان هدف از گسترش و تقویت فعالیت‌های نظامی صرفاً دفاع از امنیت کشور بوده است و همیشه دکتترین دفاعی را در دستور کار خود قرار داده است.

درواقع باید گفت یکی از منابع پنداشت تهدید ایران، پیشرفت صنایع نظامی ایران بوده است. صنایع هسته‌ای با مفروض دانستن مقاصد نظامی و موشکی (The Military Balance, 2010: 239) و نیروی دریایی مستقر در آب‌های جنوبی ایران در زمینه‌ی هوایی، ایران توانسته هوایم‌هایی به نام تندر و آذرخش را تولید

۳٫۴ افزایش توان تهاجمی

آن‌گونه که ذکر شد، عوامل متعددی در افزایش قدرت یک کشور مؤثر است، از جمله این عوامل عبارت‌اند از: وسعت، جمعیت، موقعیت جغرافیایی، اقتصاد، تکنولوژی و جمهوری اسلامی ایران به علت قرار گرفتن در کنار تنگه‌ها و آبراهه‌های مهم بین‌المللی و دسترسی به منابع خاص و کمیاب (گاز، نفت، زغال سنگ و...) از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. این کشور از طرف شمال در دریای خزر (مازندران) و از طرف جنوب در خلیج فارس و دریای عمان دارای سواحل طولانی است. از سویی، ایران محل برخورد موقعیت (بری) زمینی و بحری (دریایی) بوده و همواره این کشور در نظرات ژئوپلیتیک و راهبردهای نظامی از جایگاه خاصی برخوردار بوده است.

به‌طور کلی وسعت زیاد، در قدرت کشورها تأثیر مثبت زیادی دارد؛ چراکه فضای وسیع، امکان برخورداری از معادن و منابع اقتصادی را فراهم کرده و از دید نظامی، فضای وسیع عمق استراتژیک ایجاد کرده و حاشیه‌ی امنیتی را برای کشورها به وجود می‌آورد؛ به همین دلیل، از منظر نظامی اشغال و تصرف کشورهای پهناور با عمق استراتژیک تقریباً غیرممکن است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۶: ۹۱؛ عالم، ۱۳۸۴: ۹۳-۹۴؛ آریمن‌منش و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۴). در واقع باید گفت توان و ضریب امنیتی کشورها متأثر از مؤلفه‌ی وسعت است؛ چراکه تنوع آب‌وهوایی، توانایی کشور را در رفع نیازمندی‌های اولیه افزایش می‌دهد (امنیت اقتصادی را بالا می‌برد) و از نظر نظامی نوعی مصونیت ایجاد می‌کند؛ زیرا تسلط و تصرف آن مشکل است. وسعت امکان جذب جمعیت بیشتری را فراهم می‌کند؛ بنابراین در تقویت نیروی انسانی و امنیت آن تأثیر بسیاری زیادی دارد.

با توجه به مطالب ذکرشده، از لحاظ وسعت ایران شانزدهمین کشور دنیا است و همچنین در منطقه‌ی خاورمیانه، دومین کشور وسیع پس از عربستان سعودی می‌باشد. این عامل (وسعت) باعث گسترش عمق استراتژی کشور شده و امکان

اشغال را به دشمنان نمی‌دهد (مینایی، ۱۳۸۱: ۴۳). از طرفی، وسعت زیاد ایران در منطقه باعث تنوع آب‌وهوایی و منابع طبیعی شده است، همچنین سبب برخورداری کشور از معادن متنوع گردیده است. ایران دارای ذخایر وسیع و فراوان معدنی شامل زغال‌سنگ، سنگ آهن، سنگ مس و دیگر ذخایر معدنی فلزی و غیرفلزی و نیز سنگ‌های ساختمانی و تزئینی است، این ذخایر ایران را به یکی از کشورهای معدنی عمده‌ی جهان تبدیل کرده است. ذخایر معدنی کشف‌شده در ایران که به سه دسته‌ی عمده‌ی مواد سوختنی، مواد فلزی و غیرفلزی تقسیم می‌شوند، میزان این ذخایر بالغ بر ۲۴ میلیارد تن برآورد شده است (Antony, 2008: 2) والهامی‌وشاملو، ۱۳۹۹: ۶۰). اما در این میان، وسعت کم کشورهای عربی حوزه‌ی جنوبی خلیج فارس به‌جز عربستان سعودی باعث مشکلاتی برای این کشورها شده است؛ چراکه یکی از نگرانی‌های همیشگی این کشورها در مقابل ایران وسعت و جمعیت کم می‌باشد. از طرفی، حدود ۴۰۰ هزار ایرانی در کشور امارات متحده عربی اقامت دارند. همچنین هزاران ایرانی در کشورهای بحرین، کویت، قطر و حتی عربستان زندگی می‌کنند که از نگاه این کشورها می‌توانند برای این کشورها تهدید محسوب شوند (Antony, 2008: 2). از سویی، یکی دیگر از امتیازات موقعیت جغرافیایی ایران نسبت به کشورهای عربی منطقه، وجود ناهمواری‌ها در کشور است؛ چراکه وجود موانع طبیعی در مرزهای یک کشور موقعیت امنیتی آن کشور را بهبود می‌بخشد و نبود موانع و ناهمواری‌های طبیعی کار توسعه‌طلبان را آسان می‌کند (روشندل، ۱۳۷۴: ۷۴). در مناطق کوهستانی، حرکت واحدهای نظامی به‌کندی صورت می‌گیرد؛ لذا مرزهای کوهستانی همیشه در تاریخ نقش مهمی داشته و جمهوری اسلامی ایران دارای این برتری جغرافیایی نسبت به کشورهای عربی همسایه خود می‌باشد.

عامل جغرافیایی دیگری که در افزایش توان تهاجمی ایران مؤثر بوده، تنگه‌ی هرمز است. عواملی

آن پیدا کردند. لذا، یکی از مهم‌ترین دلایل مخالفت با انقلاب اسلامی ایران، به‌ویژه در کشورهای عربی منطقه، نگرانی از خیزش و نهضت شیعیان منطقه برای دستیابی به حقوق انسانی خود و در نتیجه، بی‌ثباتی و برهم خوردن امنیت این حکومت‌ها بود.

ایران دارای ماهیت اسلام شیعی و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس دارای ماهیت اسلام سنی هستند. گرچه این دو ایدئولوژی خودبه‌خود در تقابل با یکدیگر نیستند و همگی تحت لوای اسلام قرار دارند؛ اما خوانش‌های افراطی و تندروانه از این مسأله باعث برخورد این دو مذهب جهان اسلام در برابر یکدیگر شده است (علی‌پور و دیگران، ۱۳۹۰: ۶۳). تا پیش از انقلاب اسلامی ایران، دین اسلام تنها یک دین بدون عملکرد سیاسی محسوب می‌شد، اما انقلاب اسلامی ایران جنبه‌های بالقوه و نهفته‌ی سیاسی آن را آشکار کرد و اندیشه‌ی شیعی با انسجام ساختاری در ایران شکل گرفت (ضرغامی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۹۹). بنابراین، جمهوری اسلامی ایران با داشتن جمعیت بیش از نود درصدی شیعه به‌عنوان مرکز شیعیان جهان محسوب می‌شود، در مقابل، کشورهای عربی حوزه خلیج فارس به رهبری عربستان سعودی که خود را مرکزیت معنوی جهان اسلام می‌داند، همراه و متحد می‌باشند. «درواقع، عربستان سعودی در حوزه خلیج فارس نقش برادر بزرگ‌تر را برای دیگر کشورهای این حوزه بازی می‌کند» (ایسنا، ۱۴۰۰/۹/۷)؛ لذا به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و ترس کشورهای عربی حوزه خلیج فارس از اسلام شیعی و انقلابی در منطقه و از آنجاکه اکثریت در کشورهای عربی حوزه خلیج فارس دارای مذهب سنی بودند، همین امر در تشکیل اتحاد و نزدیکی کشورهای عربی برای مقابله با ایران بسیار مهم بود. نمونه‌ی بارز اتحاد کشورهای سنی منطقه در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و حمایت از رژیم عراق است.

در اواخر سال (۲۰۰۴م) کشورهای سنی منطقه آنقدر از گسترش و توسعه‌ی اسلام شیعه در منطقه نگران بودند که ملک عبدالله دوم پادشاه اردن از

که باعث اهمیت استراتژیک این تنگه شده است عبارت‌اند از:

۱. این تنگه مناسب‌ترین مسیر انتقال گاز و نفت خلیج فارس به بازارهای جهانی است؛
۲. نقطه‌ی اتکای دفاعی شبه‌جزیره‌ی عربستان می‌باشد؛
۳. موقعیتی برای ایجاد تسهیلات نیرو و تدارکات آن‌هاست؛
۴. تنگه‌ی هرمز به‌عنوان حاشیه‌ی ریملند و ایجاد پیوستگی برای نیروهای دریایی و مکمل استراتژی بری محسوب می‌گردد (شاملوو فرجی‌راد، ۱۳۹۸: ۱۷۴-۱۷۳).

بنابراین، با توجه به عمق استراتژیک کمتر کشورهای عربی نسبت به جمهوری اسلامی و جمعیت کمتر آن‌ها، این کشورها تلاش کرده‌اند تا از سیاست توازن علیه ایران استفاده نمایند که این توازن به سه صورت ازسوی کشورهای عربی پیگیری شده است:

۱. هم‌پیمانی و اتحاد نظامی و امنیتی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس با قدرت‌های فرامنطقه‌ای؛
۲. حضور و مداخله‌ی کشورهای فرامنطقه‌ای در منطقه‌ی خلیج فارس؛
۳. شکل‌گیری پیمان‌ها و اتحادیه‌های منطقه‌ای مثل شورای همکاری خلیج فارس در جهت مقابله با جمهوری اسلامی ایران (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۹۶).

۳/۵ همبستگی ایدئولوژیک

انقلاب اسلامی ایران در سال (ش ۱۳۵۷ / ۱۹۷۹م) مهم‌ترین جرقه‌ی آغاز خیزش و تقویت شیعه را به وجود آورد و شیعیان در کشورهای مختلف منطقه، آن را نقطه‌ی امید و ایران را پناهگاهی برای خود تصور کردند. گرچه مسلمانان اعم از شیعه و سنی به انقلاب اسلامی ایران دل بستند و آن را تجسم آرزوهای خود یافتند، شیعیان دلبستگی خاصی به

۴ پیامدهای شکل‌گیری شورای همکاری خلیج فارس

بدون شک شکل‌گیری یک اتحادیه و پیمان در مقابل یک یا چند کشور فارغ از اینکه پیامدها و نتایج مثبتی را برای کشورهای شرکت‌کننده در این پیمان‌ها به دنبال دارد؛ اما گاهی شکل‌گیری این پیمان‌ها پیامدهای منفی را نیز به دنبال خواهد داشت، همان‌گونه که شکل‌گیری شورای همکاری خلیج فارس پیامدهایی را برای کشورهای منطقه در پی داشته است.

۴٫۱ مسابقه‌ی تسلیحاتی

مسابقه‌ی تسلیحاتی بیانگر نوعی مسلح‌سازی رقابت‌طلبانه است و مفهوم چنین رقابتی در زمینه‌ی تسلیحات به شرایطی گفته می‌شود که در آن دو یا چند کشور که ممکن است یکدیگر را دشمن خویش قلمداد نمایند، سطح تسلیحات خویش را با سرعتی چشمگیر ارتقا بخشند. بنابراین، یکی از مناطقی که همیشه درگیر مسابقه‌ی تسلیحاتی بوده است، منطقه‌ی خلیج فارس می‌باشد. صرف نظر از بزرگ‌نمایی‌های رسانه‌ای و سیاسی در خصوص قدرت و نیت تهاجمی ایران، کارشناسان مسائل نظامی بر این اعتقادند که دکتترین نظامی ایران و نوع تجهیزات آن، نه بر مبنای حمله به همسایگان، بلکه براساس منطق بازدارندگی طراحی شده است.

با این حال، گویا همسایگان جنوبی جمهوری اسلامی ایران در شورای همکاری خلیج فارس، توانایی درک و جداسازی میان منطق بازدارندگی از سیاست‌های تهاجمی را ندارند و بر این اساس توانایی‌های نظامی ایران را تهدیدی علیه خود می‌پندارند (ابراهیمی فر، ۱۳۷۸: ۳۹۵). بر این اساس، کشورهای عربی حوزه‌ی خلیج فارس، دست به یک مسابقه‌ی تسلیحاتی برای مقابله با ایران زده‌اند.

خریده‌های نظامی کشورهای عربی شورای همکاری خلیج فارس در سالیان اخیر سیر صعودی به خود گرفته و بودجه‌های فراوانی به آن اختصاص

هلال شیعه و تلاش ایران در حمایت از شیعیان منطقه صحبت کرد (Wright and Bake, 2004) که این خود نشان‌دهنده‌ی نگرانی مداوم کشورهای عربی منطقه از رشد اسلام شیعی در پی انقلاب اسلامی می‌باشد و دستاویزی برای اتحاد در برابر ایران شیعی.

۳٫۶ کمک‌های اقتصادی

تشکیل شورای همکاری خلیج فارس در ابتدا اهداف چندگانه‌ی سیاسی، امنیتی و اقتصادی داشت. اما فضای جهانی و تحولات منطقه‌ای و نیز زمان تشکیل این شورا، بیانگر غلبه‌ی اهداف و مؤلفه‌های امنیتی و تلاش کشورهای عضو شورای همکاری برای کاهش آسیب‌پذیری امنیتی خود بود. باید گفت تشکیل شورای همکاری خلیج فارس در مرحله‌ی نخست، امنیتی و سیاسی بود و مسائل تجاری و اقتصادی در درجه‌ی دوم اهمیت قرار داشتند (اسدی، ۱۳۸۹: ۲۴)؛ چراکه این کشورها دارای ذخایر اثبات‌شده‌ی عظیم نفت و گاز می‌باشند؛ حجم ذخایر نفت نشان‌دهنده‌ی این است که بیش از دو سوم از ذخایر اوپک در کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس وجود دارد که با توجه به حجم گاز موجود در منطقه، این منطقه از نظر منابع هیدروکربنی بسیار غنی می‌باشد. با این اوصاف شش کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس به‌لحاظ اقتصادی به کمک دیگر اعضا نیازی نداشته؛ چراکه خود از صادرکنندگان عمده‌ی نفت و گاز بوده و نیازی به کمک دیگر اعضا ندارند (لازم به ذکر است که کمک‌های اقتصادی عربستان و دیگر اعضای شورای همکاری خلیج فارس به عراق در جریان جنگ تحمیلی در راستای حمایت از عراق در مقابل دشمن مشترک بود و مهم‌تر اینکه عراق عضو شورای همکاری نیز نبود). لذا باید گفت مسائل اقتصادی در تشکیل شورای همکاری خلیج فارس در مقابل ایران نقش کم‌رنگی را بازی می‌کند.

(عسکریور، ۱۳۹۶:۳۱۴). لذا کشورهای غربی، با اقداماتی از قبیل صادرات حجیم تسلیحات مدرن به برخی کشورهای منطقه، عامل مهمی در ایجاد تنش و بروز فجایع انسانی در منطقه‌ی خلیج فارس هستند و منطقه را به بازار مهم اسلحه تبدیل کرده‌اند (ایرنا، ۱۴۰۰؛ لعبت فرد و هاشمی‌پور، ۱۳۹۹:۱۶۵).

نکته‌ی مهم این است که اگرچه خریدهای تسلیحاتی کشورهای عربی حوزه‌ی خلیج فارس بیشتر از آمریکا است، اما برخی از اعضای شورای همکاری خلیج فارس در تلاش‌اند با خریدهای تسلیحاتی از چین و روسیه، دیدگاه این دولت‌ها را در حمایت از ایران در مسأله‌ی هسته‌ای تغییر دهند.

۴٫۲ حضور قدرتهای فرامنطقه‌ای در منطقه‌ی خلیج فارس (آمریکا)

یکی از پیامدهای شکل‌گیری شورای همکاری خلیج فارس، حضور مستقیم آمریکا در منطقه‌ی خلیج فارس از طریق تأسیس و ایجاد پایگاه‌های نظامی در فضای سرزمینی این کشورها می‌باشد. جمهوری اسلامی ایران همواره عدم رضایت خود را از این کشورها برای در اختیار گذاشتن پایگاه‌های نظامی در داخل سرزمین خود به اطلاع آن‌ها رسانده است. وجود پایگاه‌های متعدد در این کشورها به‌عنوان نقطه‌ی اتکایی در جهت حمله‌ی احتمالی به ایران از فضای سرزمینی این کشورها از یک طرف و انجام عملیات اطلاعاتی توسط غرب از این پایگاه‌ها در جهت کنترل ایران از سوی دیگر به‌عنوان عامل واگراکننده و اختلاف‌برانگیز بین طرفین بوده است.

از طرفی، ایالات متحده آمریکا در منطقه‌ی خلیج فارس با ایجاد ایران‌هراسی در میان کشورهای عربی شورای همکاری خلیج فارس قصد دارد از پیدایش یک قدرت منطقه‌ای در منطقه‌ی خلیج فارس جلوگیری کند و حضور خود را در منطقه به‌عنوان حافظ منافع و امنیت کشورهای عربی منطقه‌ی خلیج فارس توجیه کند (نصوحیان، ۱۳۸۶:۱۵۴). به‌گونه‌ای که جیمز هولمز معتقد است بهترین

می‌یابد. برخی از اعضای شورای همکاری خلیج فارس مانند عمان، عربستان سعودی و امارات متحده عربی سالانه بین ۷ تا ۱۲٪ تولید ناخالص ملی خود را به خرید تسلیحاتی اختصاص می‌دهند، درحالی‌که میانگین جهانی عددی بین ۲/۵-۲/۳٪ است (<http://www.sipri.org/databases/milex/>).

خرید سپر دفاع موشکی یکی از مهم‌ترین خریدهای نظامی شورای همکاری خلیج فارس می‌باشد. امارات در قراردادی با آمریکا به ارزش هفت میلیارد دلار از سیستم تاد برخوردار شده است. به‌گفته‌ی مقامات آمریکایی این سیستم موشکی برای مقابله با تهدیدات ایران به امارات فروخته شده است (تابناک، ۱۳۷۸/۶/۱۹). دولت کویت نیز بر مبنای قراردادی ۹۰۰ میلیون دلاری ۲۰۹ موشک پاتریوت از آمریکا خریداری کرده که هدف از آن بازدارندگی در مقابل تهدیدات منطقه‌ای بیان شده است (دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۱/۱/۱۷؛ ریزابروکس، ۱۳۷۹:۲۰۴). بحرین نیز از این رقابت عقب نمانده و در قراردادی به ارزش ۴۳ میلیون دلار با آمریکا به سیستم رادار و ضد موشکی مجهز شده است (فردا نیوز، ۱۳۸۶/۷/۱۳). عربستان نیز در قراردادی با واشنگتن به ارزش ۲۹/۴ میلیارد دلار در پی تجهیز نیروی هوایی خود به ۸۴ فروند جنگنده‌ی F-15SA و تجهیز ۷۰ فروند از جنگنده‌های موجود خود است.

همچنین، در دوران ریاست جمهوری ترامپ در سال ۲۰۱۷ قراردادی میان ریاض و واشنگتن به امضا رسید که شامل هشت قرارداد فروش سلاح به ارزش ۱۲/۵ میلیارد دلار و فروش ادوات نظامی به ارزش ۹۵ میلیارد دلار می‌باشد. همزمان با عقد این قرارداد نظامی، ایالات متحده اعلام کرد که هدف اصلی آن‌ها از این قرارداد با عربستان سعودی مقابله با تهدیدات می‌باشد (اطهری و معصوم نیا، ۱۳۹۷:۱۷-۱۶). بنابراین، ایالات متحده همچون گذشته خود را درگیر تحولات منطقه نمی‌کند و برای تضعیف رقبای منطقه‌ای مانند ایران به‌جای مقابله‌ی مستقیم، آن‌ها را از طریق رقبایش همچون عربستان و کشورهای عربی موازنه و کنترل می‌کند

قدرت تهاجمی و افزایش توان تهاجمی) در شکل‌گیری شورای همکاری خلیج فارس و تشکیل این اتحادیه علیه جمهوری اسلامی مؤثر و قابل‌انطباق می‌باشد. در مورد دو شاخصه‌ی فرعی دیگر (همبستگی ایدئولوژیک و کمک‌های اقتصادی و نظامی) باید گفت همبستگی ایدئولوژیک نیز در تشکیل این اتحاد علیه ایران مؤثر بوده؛ چراکه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس دارای ایدئولوژی سنی و اسلام منفعل، و در مقابل ایران با ایدئولوژی شیعه و دارای اسلام انقلابی و سیاسی می‌باشد که به مبحث مذهب می‌توان بحث قومیت و عربیت را نیز در مقابل ایرانیت اضافه کرد. در مورد بحث کمک‌های اقتصادی در شکل‌گیری شورای همکاری خلیج فارس باید گفت که بیشتر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، کشورهای ثروتمندی محسوب می‌شوند، بنابراین عامل اقتصادی نقش کمتری در شکل‌گیری این شورا داشت، اگرچه کشورهای عضو در ابتدا هدف از تشکیل شورای همکاری خلیج فارس را مسائل اقتصادی مطرح می‌کردند؛ اما مسایل نظامی، سیاسی و امنیتی نقش بیشتری در شکل‌گیری این شورا داشته است. بی‌شک شکل‌گیری هر اتحاد و ائتلاف نتایج و پیامدهایی را به دنبال خود دارد که شکل‌گیری شورای همکاری خلیج فارس نیز از این امر مستثنی نبوده؛ چراکه اولاً، باعث به وجود آمدن مسابقه‌ی تسلیحاتی در سطح منطقه شده است که خود این امر عواقب غیرقابل‌پیش‌بینی را به دنبال خواهد داشت و ازسوی دیگر، بازاری برای فروش تسلیحات به این کشورها ایجاد کرده است. علاوه بر این، کشورهای فرامنطقه‌ای از جمله آمریکا به بهانه‌ی ایجاد امنیت در منطقه‌ی خلیج فارس حضور داشته و با ایجاد پایگاه‌هایی در کشورهای متحدشان بر این عدم ثبات و ناامنی در منطقه‌ی خلیج فارس افزوده و در ایجاد تنش در روابط کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و ایران نقش مؤثری را بازی می‌کنند.

راهبرد برای آمریکا ادامه دادن به تنش‌آفرینی فعال در مدیریت رویدادهای جنوب آسیا و منطقه‌ی خلیج فارس است. آمریکا باید اتحادهای منطقه‌ای‌اش را حفظ کند و به متحدانی که به نیروهای آمریکایی اجازه‌ی دسترسی به مناطق حیاتی را می‌دهند، کمک کند (دیپلماسی ایرانی، ۱۴۰۰/۸/۲۰). ازسویی، کشورهای شورای همکاری خلیج فارس با نگاه متفاوت به مبحث امنیت، حفظ موجودیت کشور و بقای حکومت به هر طریق و ابزاری را لازم می‌دانند، لذا این کشورها به دلیل موقعیت و وسعت کم جغرافیایی در وضعیت آسیب‌پذیری قرار داشته و از حضور کشورهای فرامنطقه‌ای (آمریکا) در منطقه و حضور در ترتیبات امنیتی خلیج فارس استقبال می‌کنند؛ ولی جمهوری اسلامی ایران امنیت خلیج فارس را مربوط به کشورهای منطقه می‌داند و با حضور کشورهای فرا منطقه‌ای خارجی در منطقه مخالف است.

بنابراین باید گفت روابط ایالات متحده و کشورهای عربی منطقه‌ی خلیج فارس به نوعی به یک ازدواج سنتی تشبیه شده که علی‌رغم مشکلات، هیچ امکانی برای جدایی وجود ندارد و در واقع منافع متقابل قوی بین ایالات متحده و منطقه‌ی خلیج فارس در برخورد با تهدیدات منطقه، روابط سیاسی، امنیتی و اقتصادی را با وجود پیچیدگی‌ها تقویت می‌کند (Henderson & Boghardt, 2017:2).

۵ نتیجه‌گیری

آن‌گونه که ذکر گردید در این پژوهش شاخصه‌های نظریه‌ای موازنه‌ی تهدید استغفات والت در شکل‌گیری شورای همکاری خلیج فارس علیه جمهوری اسلامی ایران مورد ارزیابی قرار گرفته است که براساس شاخصه‌های ذکرشده، چهار شاخصه‌ی اصلی (مجاورت و نزدیکی جغرافیایی، نیت تهاجمی،

منابع

منابع فاسی

- آرین‌منش، محمد؛ جوانشیری، احمد؛ مدیرشانه‌چی، محسن (۱۳۹۷)، «عوامل مؤثر بر مناسبات ایران و آمریکا»، *دوفصل‌نامه‌ی سیاست و روابط بین‌الملل*، سال دوم، ش ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۷، صص ۳۰-۹.
- ابراهیمی‌فر، طاهره (۱۳۷۸)، «بررسی علل واگرایی در منطقه‌ی خاورمیانه»، *مجله‌ی سیاست خارجی*، سال ۱۳، ش ۲، صص ۳۹۶-۳۷۹.
- اسدی، علی‌اکبر (۱۳۸۹)، «سیاست خارجی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، مبانی، ساختارها و الگوها»، *پژوهش‌نامه‌ی سیاست خارجی*، ش ۲۸، مهرماه ۱۳۸۹، صص ۵۰-۲۱.
- اطهری، اسدالله؛ معصوم‌نیا، محبوبه (۱۳۹۷)، «بررسی پیامدهای قرارداد تسلیحاتی عربستان و ایالات متحده (۲۰۱۷)»، *دوفصل‌نامه‌ی سیاست و روابط بین‌الملل*، دوره‌ی ۲، ش ۳، بهار و تابستان ۱۳۹۷، صص ۲۷-۹.
- المشروع‌الایرانی فی منطقه‌العربیة و الاسلامیة (۲۰۱۳)، مرکز امیه للبحوث و الدراسات الاتراتیجیة، الطبعة الاولى.
- الهامی، علیرضا؛ شاملو، رضا (۱۳۹۹)، «تیین عوامل ژئوپلیتیکی اقتصادی مؤثر بر راهبردهای دفاعی جمهوری اسلامی ایران در حوزه‌ی خلیج فارس»، *دوفصل‌نامه‌ی سیاست و روابط بین‌الملل*، دوره‌ی ۴، ش ۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۹، صص ۷۶-۵۱.
- ایرنا، (خبرگزاری جمهوری اسلامی)، (۱۴۰۰)، « بیانیه‌ی شورای همکاری خلیج فارس و انگلیس بی‌اساس و تفرقه‌افکن است»؛
- ایسنا (خبرگزاری دانشجویی ایران)، (۱۴۰۰) «گام‌های "ایران و امارات" برای مدیریت روابط زیر سایه اختلافات سیاسی، امنیتی و نظامی»، <https://www.isna.ir/news/140090603848> (تاریخ دسترسی: ۱۴۰۰/۹/۷).
- بهبودی‌نژاد، قدرت‌الله؛ بهبودی‌نژاد، سعید (۱۳۹۹)، «رقابت‌های منطقه‌ای ژئوپلیتیک در خاورمیانه: پیامدهای آن برای اروپا»، *دوفصل‌نامه‌ی سیاست و روابط بین‌الملل*، دوره‌ی ۴، ش ۷، بهار و تابستان ۱۳۹۹، صص ۲۷-۷.
- تابناک (۱۳۷۸)، «فروش سپر دفاع موشکی ۷ میلیارد دلاری آمریکا به امارات»، آدرس: <https://www.tabnak.ir/fa/new/s/17698> (تاریخ دسترسی: ۱۳۷۸/۶/۱۹).
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۶)، *قدرت و منافع ملی*، تهران: نشر انتخاب.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۹)، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، چاپ سوم، تهران: سمت.
- دیپلماسی ایرانی (۱۴۰۰)، «واقعیت‌ها و وضعیت‌ی که باید درک شود چالش‌های امپراطور شدن ایران»، <http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/2007505> (تاریخ دسترسی: ۱۴۰۰/۸/۲۰).

طبری، نقی (۱۳۸۱)، «نقش انقلاب اسلامی ایران در شکل‌گیری و استمرار شورای همکاری خلیج فارس»، *مجله علوم سیاسی باقرالعلوم*، ش ۲۰، صص ۱۰۴-۹۱.

عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۴)، *بنیادهای علم سیاست*، چاپ سیزدهم، تهران: نشر نی.

عسکرپور، وهاب (۱۳۹۶)، *بررسی حضور استراتژیک آمریکا در منطقه خلیج فارس*، قم: مؤلف.

علی‌پور، عباس؛ بختیارپور، علی؛ فرجی، برات (۱۳۹۰)، «سنجش عوامل واگرایی ژئوپلیتیکی بین ایران و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و راهبردهای مقابله با آن»، *مجله سیاست دفاعی*، سال بیستم، ش ۷۷، زمستان ۱۳۹۰، صص ۸۴-۵۵.

فردانیوز، (۱۳۸۶)، «ایجاد سپر دفاع موشکی در بحرین».

<https://www.fardanews.com/8/35634/6>
تاریخ

دسترسی: ۱۳/۷/۱۳۸۶

قنبری جهرمی، محمدحسین (۱۳۸۶)، «کلیاتی پیرامون دکترین دفاعی»، مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی، *ماهنامه اطلاعات راهبردی*، سال ۵، ش ۵۳.

لعبت‌فرد، احمد؛ هاشمی‌پور، سیدحکمت‌الله (۱۳۹۹)، «آینده‌ی حضور آمریکا در خلیج فارس در پرتو تحولات نظام موازنه‌ی قدرت در منطقه»، *فصلنامه راهبرد سیاسی*، سال ۴، ش ۱۳، تابستان ۱۳۹۹، صص ۱۷۰-۱۵۵.

لیتل، ریچارد (۱۳۸۹)، *تحول در نظریه‌های موازنه‌ی قوا*، ترجمه‌ی دکتر غلامعلی چگنی‌زاده، تهران: مؤسسه‌ی فرهنگی

دیپلماسی ایرانی (۱۳۹۱)، «مسابقه‌ی تسلیحاتی در خلیج فارس»، <http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/1900876>، (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۱/۱/۱۷)

روشندل، جلیل (۱۳۷۴)، *امنیت ملی و نظام بین‌الملل*، تهران، سمت.

ریزابروکس (۱۳۷۹)، «روابط سیاسی نظامی و ثبات رژیم‌های عربی در منطقه»، ترجمه‌ی محمد کمال سروریان، *فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی*، سال سوم، ش ۳.

زاده‌علی، مهدی؛ میرحسینی فرشته (۱۳۹۶)، «ریشه‌های ایران‌هراسی از نگاه افکار عمومی جهان عرب»، *فصلنامه‌ی سیاست خارجی*، سال ۳۱، ش ۲، تابستان ۹۶، صص ۱۸۲-۱۵۱.

شاملو، رضا؛ فرجی‌دانا، عبدالرضا (۱۳۹۸)، «بررسی پیامدهای سیاسی-اقتصادی تنش در تنگه‌ی استراتژیک هرمز»، *دو فصلنامه‌ی سیاست و روابط بین‌الملل*، دوره ۳، ش ۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، صص ۱۸۸-۱۶۷.

صالحی، علیرضا؛ محسنی، سجاد (۱۳۹۲)، «دستاوردهای نظامی ایران و معمای امنیت در خاورمیانه (با تأکید بر اعضای شورای همکاری خلیج فارس)»، *فصلنامه‌ی سیاست خارجی*، سال ۲۷، ش ۱، بهار ۱۳۹۲، صص ۷۰-۴۹.

ضرغامی، برزین؛ شوستری، سیدمحمد جواد؛ انصاری‌زاده، سلمان (۱۳۹۳)، «ژئوپلیتیک شیعه یا هلال شیعه (مبانی، اهداف و رویکردها)»، *پژوهش‌های جغرافیایی انسانی*، دوره‌ی ۴۶، شماره‌ی ۱، بهار ۱۳۹۳، صص ۲۴۱-۱۹۷.

نصوحیان، محمدمهدی (۱۳۸۶)، «موانع همگرایی و ثبات در منطقه‌ی خلیج فارس»، *مجله‌ی ره‌آورد سیاسی*، ش ۱۷، پاییز ۱۳۸۶، صص ۱۶۲-۱۴۳.

واعظی، محمود؛ اسدی، علی‌اکبر (۱۳۸۹)، *شورای همکاری خلیج فارس: سیاست‌های خارجی و روندهای داخلی*، تهران: پژوهشکده‌ی تحقیقات راهبردی.

مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.

ملک‌زاده، محمد (۱۳۹۸)، «متغیرهای واگرا و همگرا در روابط ایران با جهان عرب چشم‌اندازی بر تمدن نوین اسلامی»، *دوفصل‌نامه‌ی سیاست و روابط بین‌الملل*، دوره‌ی ۳، ش ۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، صص ۳۰۳-۲۸۱.

مینایی، مهدی (۱۳۸۱)، *مقدمه‌ای بر جغرافیای سیاسی ایران*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

منابع انگلیسی

Anstony, John D ucke Jean Francois Seznec ,Tayyar Ari ,Wayn E White (2008) ,War with Iran: Regional Reactions and Requirements ,**Middle East Policy** ,Vol.15,NO.3

2) Boghardt, Lory Plotkin&Henderson, Simon,(2017), **Rebuilding Alliances and Countering Threats in the Goulf** ,the Washington insttute for near east policy. NO. 35 . february 2017.

Elman,Colin & Mirim Fendius Elman(2003) **Lesson From Lakatos in Elman , Colin & Mirim Fendius Elman,(eds)** Progres in Internation Relations Theory Harvard University Press.

Entessar, Nader (2004) **Iras Security Challenges the Muslim World** ol, 94

Gangale, Thomas (2003), **Alliance Theory: Balancing, Bandwagoning and Détente**, San

Fracisco State University International Relations

Henderson, simon (2008) **Energy in Danger: Iran ,Oil and Washington** ,DC Washington institute for Near East Policy

<https://www.cia.gov/library/publications/>

SIPRI Military Expenditure Database-
[/http://www.sipri.org/databases/milex](http://www.sipri.org/databases/milex)

The Military Balance (2010). London : International Insttute For Strategic Studies

Walt, Stephen M. (1985), **“Alliance Formation and the Balance of World Power”**, International Security, Vol.9, No.4.

Walt, Stephen M. (1987), **The Origins of Alliances Ithaca**, NY: Cornell university press.

Walt, Stephen M. (1990), **The Origins of Alliances , Ithaca**, NY: Cornell university press

Wright, Robin and Peter .(2004) Iran
Jordan See Threat To Election
From iran ,Leaders Warn Against

Forming Religious State :**The**
Washington Post ,December8

